مدیریت کند، بخشی هم به نگاه امنیتی حاکمیت و بخش دیگر به مسئله تفاوت نسلی برمی‌گردد. ابزارهای زبانی هم مانع دیگری است که جلوی ارتباطات فرامرزی را می‌گیرد. ما در این حرکت مدنی می‌خواستیم تمام این موارد را اجرایی کنیم، چون همه اینها ضرورت‌های فعالیت‌های ضدجنگ است. حرکت‌های معنادار ضدجنگ در مقیاس جهانی تعریف می‌شوند، نه درون کشوری که در معرض جنگ قرار گرفته است.»

ارتباط جامعه مدنی با مردم، مسئله دیگری است که روشنفکر درباره آن توضیح می‌دهد: «در فقدان جامعه مدنی گسترده و قدرتمند و تضعیف گروه‌های مرجع، بخش بزرگی از جامعه ایران سازمان‌نیافته و بی‌تشکل است و به‌همین‌دلیل میان رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور و صداوسیما سردرگم ماندند. آنها تشکلی ندارند که خواسته‌هایشان را به‌شکل متشکل بیان کنند و همین باعث شده رابطه مردم، جامعه مدنی و متقابلاً جامعه مدنی و مردم، ارتباط مطلوبی در این موارد نباشد. مردم بسیاری از انجمن‌ها و تشکل‌ها را نمی‌شناسند و نهایتاً به افراد اعتماد می‌کنند. ما همچنان مبتنی بر افراد هستیم.» او تمام این موارد را آن چیزهایی می‌داند که زمین اقدام جمعی «زندگی علیه جنگ» را شکل داده و به همین دلیل هم دستاوردهایش را باید در همین زمین دید.

بار تاب‌آوری روی دوش جامعه مدنی

شبکه کمک، در اسفندماه ۱۳۹۸ و با شروع بحران کووید در کشور به راه افتاد. نام این شبکه مخفف «کارگروه مهار کرونا» است. در آن زمان حدود ۱۲ تشکل مدنی با تخصص‌های مختلف گردهم آمدند و این شبکه را شکل دادند. اواخر سال ۱۴۰۰ که ایران پیک پنجم کرونا را پشت سر گذاشت و بیماری کاهش پیدا کرد، آنها به این نتیجه رسیدند که این تجربه -هر چند کوچک- در جامعه مدنی تجربه خوبی بود و می‌خواهند آن را حفظ کنند. به همین دلیل سند ماموریت شبکه را بازنگری کردند. فیروزه صابر، دبیر شبکه کمک و نماینده آن در اقدام جمعی «زندگی علیه جنگ» درباره این تغییر سند ماموریت به «هم‌میهن» می‌گوید: «در این بازنگری همه بحران‌ها اعم از مخاطرات طبیعی و غیرطبیعی و مسائل اجتماعی به ماموریت ما افزوده شد. به عبارتی هم دامنه فعالیت، هم تنوع تخصصی و صنفی اعضاء توسعه یافت.» آنها در این سال‌ها اقدام‌هایی برای توسعه ظرفیت سازمان‌های غیردولتی در حوزه تاب‌آوری انجام دادند و در زمان فعلی، به موضوع جنگ ۱۲ روزه رسیدند: «هدف ما و همه تشکل‌ها این است که صدای زندگی علیه جنگ و زندگی برای همه‌کس و جنگ برای هیچ‌کس توسط ایرانیان داخل و خارج کشور، همچنین نهادهای مدنی آن سوی مرزها صدای رسایی شود که جنگ‌افروزی در ایران، منطقه و جهان خاتمه پیدا کند. به‌طور ویژه در ایران که مسئله ماست و در منطقه که این روزها شاهد افزایش جنگ‌افروزی در آن هستیم.»

صابر در پاسخ به سوالی درباره مطالبه آنها از نهاد دولت می‌گوید: «ما در قالب چهار بند اصلی مطالبات‌مان را بیان کردیم و تجاوز به خاک ایران در هر شرایطی را محکوم می‌کنیم اما انتظار ما این است که دولت به سهم خودش تدبیری بیاندیشد که از طریق دیپلماسی بار دیگر به جنگ برنگردیم.» او تعریف زندگی را گره‌خورده به آرامش برای مردم معنا می‌کند: «این آرامش غیر از نبود جنگ، نیازهای دیگری از جمله امنیت، آرامش، رفاه، عدالت و آزادی هم دارد که حکومت وظیفه تحقق آن را دارد و باید پاسخگو باشد.» صابر بر این باور است که مردم در حلقه‌ای از معضلات و چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گرفتار شده‌اند که با جنگ تشدید می‌شود: «مردم می‌خواهند در آرامش به حیات خود ادامه دهند و زندگی کنند.»

«زندگی علیه جنگ» روزهای ۲۷ تا ۳۰ تیرماه را به‌عنوان روزهای اقدام جمعی معرفی کرده و از همه تشکل‌هایی که همبستگی‌شان را اعلام کردند خواسته تا در این روزها با انجام کارهایی عملی، همبستگی‌شان را با هم به‌شکلی عینی‌تر نشان دهند: «ما علاقمندیم این هم‌صدایی صورت گیرد و امیدواریم تشکل‌هایی که متن این کمپین را امضاء کردند، اقدامات عملی در حمایت از این حرکت انجام دهند.» تاکنون سه برنامه اجرایی در حال برنامه‌ریزی است. شبکه «کمک» و انجمن حمایت از حقوق کودک و دو انجمن علمی، برنامه‌هایی برای اقدام علمی در نظر گرفتند. «جنگ علیه زندگی» قرار است پایان تیرماه و هم‌زمان با پایان اقدام جمعی که تعریف کردند، گزارشی درباره عملکردی که در این مدت داشتند ارائه دهد.

سهیلا بابایی، مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان هم در پاسخ به سوال «هم‌میهن» درباره چرایی پیوستن آنها به این اقدام جمعی می‌گوید: «دلیل اصلی پیوستن ما، حرکت به سمت صلح بود و این ارجح‌ترین اولویت جامعه است.» به گفته او، آنها قرار است در نشستی در روز دوشنبه تصمیم بگیرند و اقدام‌های عملی مرتبط با این موضوع را برنامه‌ریزی کنند. به گفته او، بزرگترین مطالبه جامعه مدنی این است که جامعه، به‌سمت جنگ نرود: «نقش جامعه مدنی در سیاست‌گذاری‌ها بسیار کم است. ما اثربخشی کمی داریم اما نقش جامعه مدنی در تمام جوامع بسیار مهم است. ما باید هم‌پای دولت برای مسئله جنگ تلاش کنیم اما چنین امکانی در شرایط فعلی برای ما وجود ندارد و به همین دلیل ما در حد توان‌مان و با رساندن صدای اعتراض‌مان، حرکت خواهیم کرد.» او می‌خواهد صدای اعتراض آنها به گوش تصمیم‌گیران برسد.

ژاله شادی‌طلب
استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران:

مردم به خیابان‌ها نیامدند، نه به این دلیل که رضایت دارند؛ به این دلیل که خواستند ایران بماند

فیروزه صابر
دبیر شبکه کمک و نماینده آن در اقدام جمعی «زندگی علیه جنگ»:

هدف ما و همه تشکل‌ها این است که صدای زندگی علیه جنگ و زندگی برای همه‌کس و جنگ برای هیچ‌کس توسط ایرانیان داخل و خارج کشور، همچنین نهادهای مدنی آن سوی مرزها صدای رسایی شود که جنگ‌افروزی در ایران، منطقه و جهان خاتمه پیدا کند

مردمان همبسته، دولتمردان بی‌اقتدار

متن دعوت به همبستگی «جنگ علیه زندگی»، علاوه بر ۱۶۲ سازمان مردم‌نهاد، تاکنون به امضای ۳۲۹ فرد که بیشتر آنها کنشگران اجتماعی و سیاسی‌اند هم رسیده است. ژاله شادی‌طلب، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، یکی از افراد امضاءکننده این متن است. او امضای متن را یکی از راه‌های نشان‌دادن همبستگی علیه جنگ می‌داند اما این همبستگی را به پای دولت نمی‌نویسد. او در توضیح بیشتر این موضوع به «هم‌میهن» می‌گوید: «همبستگی مردم و اینکه مردم به خیابان‌ها نیامدند صرفاً برای حفظ کشوری به نام ایران است و نباید آن را روی حساب دیگری گذاشت. مردم از دولت و حکومت ناراضی‌اند و اگر در این جنگ ۱۲ روزه با هم ماندند و به خیابان نیامدند، به این دلیل بود که همگی به خوبی اهمیت حفظ کشور را درک کردند.» او معتقد است اختلافات و نارضایتی‌های مردم از حاکمیت به جای خود باقی مانده است: «مردم به چه زبانی باید بگویند رضایت ندارند. اولین‌بار نیست که مردم نشان دادند از این شیوه مملکت‌داری راضی نیستند. در همین انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری ۵۰درصد مردم به پزشکیان رأی ندادند و به روشنی این موضوع را گفتند.» در این سال‌ها، نهادهای مدنی در کمک به مردمی که برخوردار نیستند، بار سنگینی به دوش دارند.

او با انتقاد از سکوت جامعه بین‌المللی در برابر نسل‌کشی اسرائیل در غزه می‌گوید: «کشوری مانند اسرائیل، فجایعی که در غزه به‌بار آورده را همه دنیا دیده و در برابرش سکوت کرده و صدایش در نمی‌آید. اینجا ما به این نتیجه می‌رسیم که نه حقوق بین‌المللی، نه سازمان‌های بین‌المللی نقشی ندارند و تنها زور است که حرف می‌زند. دنیا در برابر نسل‌کشی اسرائیل سکوت کرده و تنها نظاره‌گر آن است. در حمله چنین کشوری به ایران، همه ما با هم هستیم و تلاش می‌کنیم ایران را حفظ کنیم.» او خطاب به مسئولان می‌گوید، امیدوار است که آنها قدر همبستگی مردم را بفهمند: «قدر این را که مردم به خیابان‌ها نریختند که از این فرصت برای تغییر، سرنگونی، براندازی -هر نامی که می‌خواهید روی آن بگذارید- بدانند. مردم به خیابان‌ها نیامدند، نه به این دلیل که رضایت دارند؛ به این دلیل که خواستند ایران بماند.»

شادی‌طلب با اشاره به جلسه‌ای که چندی پیش در وزارت کشور با حضور چندنفر از فعالان جامعه مدنی تشکیل شد، می‌گوید: «عده‌ای را به‌عنوان افراد صاحب‌نظر به جلسه دعوت می‌کنند و آنها پیام را به روشنی به آنها می‌رسانند که ما از وضع فیلترینگ راضی نیستیم. من به‌عنوان یک استاد دانشگاه نمی‌توانم به منابع اطلاعاتی که نیاز دارم، دسترسی داشته باشم و از این مسئله راضی نیستم. آن زنی هم که در خانه محصولی برای فروش تولید می‌کند، از فیلترینگ راضی نیست.» به باور او جامعه مدنی و بیانیه‌های تشکل‌های مختلف، در این روزهای پس از جنگ به‌دنبال تغییر پارادیم است: «مردم صدایشان را به روشنی رساندند. آنها چهره‌به‌چهره حرف‌شان را به وزیر کشور زدند. ممکن است دولتمردان روزنامه نخوانند، شبکه‌های اجتماعی را نبینند اما در جلساتی، کسانی که جامعه را می‌شناسند به آنها گفتند، نیاز اصلی جامعه چیست و اینکه آنها چگونه این اصلاحات را انجام دهند که به نظر من کار دشواری نیست.»

او از نبود اقتدار در عملکرد ریاست‌جمهوری گلایه می‌کند و آن را عامل اصلی تغییر نکردن عرصه سیاست‌گذاری می‌داند: «به نظر من ما نیاز به یک رئیس‌جمهور مقتدر و صاحب اقتدار داریم. رئیس‌جمهوری که لازم نباشد برای رفع فیلترینگ نظر ۲۵ نفر را جلب کند. ۲۵ نفری که هرکدام از یک سازمان، با یک دیدگاه و با یک رویکرد وارد جلسه شدند و هرکدام منافع گروهی را دنبال می‌کنند.»

او با اشاره به وضعیت زندانیان سیاسی پس از حمله به زندان اوین می‌گوید: «سران سه قوه باید بتوانند تصمیم بگیرند که زندانیان سیاسی که صرفاً به‌دلیل ابراز نظر و عقیده در زندان هستند، آزاد شوند. آن هم در شرایطی که زندان اوین مورد حمله قرار گرفت و زندانیان به زندان‌های دیگر منتقل شدند.» این استاد دانشگاه تهران، صدور بیانیه‌های متعدد با موضوعات مختلف را ابزاری برای بیان خواست‌های مردم می‌داند: «نیازهای مردم به‌صراحت به اشکال مختلف ابراز شده و دولتمردانی مانند پزشکیان آن را شنیدند اما اقتدار لازم برای اینکه به نیازهای مردم جواب بدهند را یا ندارند یا وانمود می‌کنند که ندارند.»

کانون صنفی معلمان تهران نیز یکی از تشکل‌های صنفی مشارکت‌کننده در اقدام جمعی «زندگی علیه جنگ» است. محمدتقی فلاحی، سخنگوی کانون صنفی معلمان، از نگرانی‌های آنها که نگرانی‌های جامعه است به «هم‌میهن» می‌گوید: «شایعه جنگ و احتمال شروع مجدد آن وجود دارد و از سوی‌دیگر، در جامعه بدون در نظر گرفتن جنگ هم شرایط خوبی وجود ندارد. مسئله ناترازی‌ها در امور مختلف اقتصاد، انرژی، محیط‌زیست و دیگر حوزه‌ها، بارها مطرح شده و این موارد زیر سایه جنگ می‌تواند بسیار عمیق‌تر و شدیدتر شود و شرایط جامعه ناهنجارتر شود. به همین دلیل ما هم کنار سایر نهادهای مدنی به بروز این حس مشترک باور داریم و نمونه آن متنی است که منتشر کردیم.»

او هم‌مانند دیگر اعضای تشکل‌های جامعه مدنی بر این باور است که نهادهای مدنی جایگاهی در ساختار رسمی جامعه و حکومت ندارند: «با جامعه مدنی به‌شکل بیگانه و مظنون رفتار می‌شود، برایش جایی دیده نشده و جایگاهی ندارند. اما ما در وهله اول نقش خودمان را آگاهی رساندن و هشدار دادن به کسانی که در مراجع قدرت هستند، می‌دانیم. نقش ما نوعی زنهار دادن است که شاید به این نتیجه برسند روش‌های آنها در امور مختلف جواب نداده و ما به سهم خودمان سعی می‌کنیم این آگاهی و توجه را در نهادهای حکومتی برای تغییر روش‌هایشان ایجاد کنیم.» با این حال تجربه او نشان می‌دهد که نمی‌توان به تغییر این نگاه در حاکمیت خوش‌بین بود: «اما با عمومیت‌یافتن این مطالبه و تبدیل آن به یک خواسته اکثریتی، می‌توان امید داشت که با فشار از پایین، حکومت وادار به تغییراتی به‌نفع جامعه و مردم شود.»

او معتقد است جامعه به بلوغی اجتماعی و سیاسی دست‌یافته که در سیستم نشانه‌های آن دیده نمی‌شود: «جامعه در سطح خوبی است و کارهایی مانند این حرکت مدنی، گام‌های اولیه است. سازمان‌های مردم‌نهاد هرکدام در حوزه تخصصی خودشان، فعالیت‌های خاص خودشان را دارند. اما به این شکل می‌توانند در ارتباط با هم قرار بگیرند و این قدم اولیه برای گفت‌وگو میان آنهاست. آنها می‌توانند بر سر هدف‌های مشخصی توافق کنند و آنها را پیگیری کنند و جزیره‌های جدا از هم نباشند.»

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران
شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران
منطقه تهران

آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای

نوبت اول

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، منطقه تهران در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل و به صورت برگزاری مناقصه عمومی یك مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تأمین نماید.

نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بالاتر از خیابان جلال آل احمد، بین کوچه یازدهم و دوازدهم، پلاک ۱۹۲۱، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، منطقه تهران، کد پستی ۱۴۳۹۷۳۳۱۱۱

شماره فراخوان در سامانه ستاد	۲۰۰۴۰۹۲۱۶۰۰۰۰۰۱۱
موضوع مناقصه	تهیه، طبخ و توزیع غذای کارکنان انبارهای نفت شمالشرق و شمالغرب منطقه تهران.
مبلغ برآورد	مبلغ ۲۱۲,۲۰۶,۸۶۴,۶۹۸ ریال بر مبنای تعداد پرسیون غذای قابل سرو در انبارها.
مبلغ تضمین	۱۰,۶۱۰,۳۴۳,۲۳۵ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضامین قابل قبول طبق آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۹۴/۰۹/۲۲ (در صورت واریز نقدی رسید وجه امور مالی منطقه در پاکت الف ارائه گردد.) (تضامین ارائه شده توسط بانکهای پاسارگاد، سپه و گردشگری و کارگزاران آنها، و ارائه هرگونه چك قابل قبول نمی‌باشد.)
تاریخ انتشار در سامانه ستاد	ساعت ۱۳:۰۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۹.
مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۴.
تاریخ جلسه توجیهی	رأس ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷.
مهلت زمانی ارسال پیشنهاد در سامانه ستاد	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸.
شرایط متقاضیان	رعایت و بارگذاری کلیه مفاد مندرج در متن شرایط عمومی و برگشماری در اسناد مناقصه منتشر شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت الزامی می‌باشد.
تاریخ گشایش پاکات ارزیابی کیفی	از ساعت ۸ صبح روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۹.
تاریخ گشایش پاکات الف، ب و ج	از ساعت ۹ صبح روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۶.
تاریخ اعتبار پیشنهادات	سه ماه بعد از بازگشایی پاکات نرخ.

بدیهی است کلیه فرآیندهای برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه‌گران بایستی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند.

اطلاعات تماس سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۱۴۵۶ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷-۰۲۱ و فاکس ۸۸۹۵۵۹۵۳-۰۲۱

شناسه آگهی: ۱۹۶۶۷۸۶

روابط عمومی منطقه تهران

خبرسازان

راه‌حل مهار آتش در هور

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کرد که بروز آتش‌سوزی‌های اخیر در بخش عراقی تالاب هورالعظیم که ناشی از خشک‌شدن در بخش عراقی این تالاب است، باعث تشدید آلودگی هوا در شهرهای غربی استان خوزستان شده و راه‌حل اساسی، رهاسازی آب در تالاب است. شینا انصاری در یاداشتی نوشت: «باتوجه به گزارش‌های دریافتی تاکنون در بخش ایرانی تالاب، به‌دلیل وجود آب و رطوبت، آتش‌سوزی رخ نداده است. روز گذشته معاون دریایی و تالاب‌ها و معاون محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست از منطقه بازدید داشته‌اند. همچنین تلاش‌های دیپلماتیک از سوی جمهوری اسلامی ایران برای رهاسازی حقابه توسط عراق در دست پیگیری است. تجربه مهار آتش‌سوزی هورالعظیم در سال‌های گذشته بیانگر اثرگذاری ۱۰ الی ۲۰ درصدی هواپیماهای آب‌پاش است، بنابراین راه‌حل اساسی، «رهاسازی آب در تالاب» است. موضوعی بسیار مهم که باید هم از سمت عراق، هم از طرف کشورمان، برای جلوگیری از آتشی که چندین‌سال است بر جانِ هورالعظیم افتاده و حیات ماهیان، پرندگان و زیستمندان تالاب و سلامت مردم عزیز خوزستان را در معرض تهدید قرار داده است؛ مورد توجه قرار گیرد.»

نیاز سرخه‌حصار به مخزن آب اضطراری

رئیس سازمان آتش‌نشانی تهران درباره وضعیت ایمنی پارک ملی سرخه‌حصار هشدار داد. به گزارش ایسنا، قدرت‌الله محمدی درباره وضعیت این پارک توضیح داد و گفت: «برای سرخه‌حصار باید یک فکری کرد. باتوجه به بیماری‌ای که درختان را از بین برده، احتمال حریق بیشتر شده است. ما همیشه می‌گوییم فصل بهار و قبل از خردادماه باید فکری برای علف‌های هرز کرد؛ چه با همکاری عشایر که گوسفند بیاورند یا علف‌زنی کنند. این کار میزان حریق را کاهش می‌دهد.» رئیس سازمان آتش‌نشانی تهران اضافه کرد: «مشکل بعدی ما آب است. ما یک آب اضطراری نداریم و اگر اتفاقی بیفتد، دسترسی به آب در آنجا خیلی مشکل است. در آنجا شیر هیدرانت نداریم و نیاز است در یکی از نقاط پارک سرخه‌حصار یک مخزن اضطراری تعبیه شود تا خودروها سریعاً آب‌گیری کنند و به محل حادثه بازگردند.»

تعداد دانش‌آموزان تهران

مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران با بیان اینکه اگر سهمیه معلمان متعهد خدمت و آزمون ماده ۲۸ به آموزش‌وپرورش شهر تهران تخصیص داده شود، به هیچ عنوان کمبود معلم نخواهیم داشت گفته است که سال گذشته ۲۹ هزار و ۷۰۰ کلاس درس در مدارس دولتی داشتیم و امسال پیش‌بینی می‌شود این عدد به حدود ۳۰ هزار کلاس درس برسد. همچنین سال گذشته یک میلیون و ۲۸۰ هزار دانش آموز در شهر تهران تحصیل کردند که پیش‌بینی می‌شود امسال این عدد به یک میلیون و ۳۲۰ هزار دانش آموز برسد. به گزارش ایسنا، مجید پارسا با بیان اینکه ۲۵ تا ۳۰ درصد ابلاغ همکاران صادر و تعیین تکلیف شده‌اند ادامه داد: «همچنین حضور در مدارس آن‌ها نیز ساماندهی شده است.» پارسا با بیان اینکه ثبت نام بیش از ۷۰ درصد دانش آموزان انجام‌شده است گفت: «منتظر هدایت تحصیلی برای ورودی‌های پایه دهم هستیم تا تکمیل ثبت‌نام‌ها انجام و برای سال تحصیلی آماده شویم.»